

## سر مقاله

چند عضو احزاب اصلاح طلب در ماه‌های اخیر از وجود دیکتاتوری و رفتارهای افراطی در این جریان گلایه و شکایت کرده و با انتقاد از نگاه معطوف به قدرت در اصلاح طلبان، حاکمیت فرد سالاری به جای حزب سالاری را آفت جدی این جریان دانسته‌اند. در باب مشکلات تحزب و رفتارهای غیرشفاف و متشتت حزبی در ایران، گفتنی بسیار است اما حرکت معطوف به قدرت که عمدتاً بروز و ظهور آن در انتخابات و سهم خواهی‌های پیشینی و پسینی آن دیده می‌شود، روند به‌شدت نگران کننده‌ای یافته و اساساً آنچه برای احزاب محوریت پیدا کرده، تصاحب قدرت و حظ و تمتع از آن است بدون آنکه معیارهای مردم محوری یا نسبتی از ارزش‌های انقلابی در آن دیده شود. گرچه این آفت برای اغلب احزاب اعم از راست و چپ و اصلاح طلب و اصول گرا در کشور با کم و زیادش ساری و جاری بوده و هر دوره جریانی را دامن گیر کرده است، اما گرایش جریان اصلاح طلب به قدرت در سال‌های اخیر از شیب تندتری برخوردار بوده و حتی این جریان به شدت دنبال جبران عقب ماندگی‌های یک دهه گذشته و غیبت در قدرت است و همین وضعیت علی القاعده آنها را به دیکتاتوری بیشتر و حذف رقبا و حتی به حاشیه راندن منتقدان داخلی یا احزاب ضعیف تر سوق داده است. بر آفت‌های قدرت طلبی در جریان اصلاح طلبی، دلدادگی به حمایت‌های بیرونی و بیگانه و متاسفانه عدم مرزبندی‌ها با دشمن را نیز باید افزود؛ شبهه‌های که با وجود برخی بنیادهای یا اظهارات پراکنده هنوز به قوت خود باقی است یا بعضاً در ایام انتخابات، با رفتارهای ساختارشکنانه و ادبیاتی گزنده اوج می‌گیرد! با وجود این آفت‌ها اما نکته درس آموز، زبان سخن گفتن اصلاح طلبان با مردم و نحوه مواجهه آنها با افکار عمومی است. جریان اصلاح طلبی با وجود فاصله جدی از اصول گرایان در پیگیری دغدغه‌ها و مشکلات واقعی مردم و رفتارهای به مراتب متصلب تر و خودمحوری تر اما زبان سخن گفتن با مردم و جلب نظرات آن‌ها را بیشتر و بهتر می‌داند و از همین جهت توفیق بیشتری نصیب خود کرده است. شاید لازم است اصول گرایان زبان مردم را بازشناسند و ادبیات سخن گفتن با افکار عمومی را اصلاح کنند.

## ما و راهبرد رهبری

رابطه انقلابی‌ترها با حضرت آقا چیست؟ پاسخ نخستین این است که در چه حوزه‌ای؟ حوزه هدف ما راهبرد اجتماعی در پیگیری اهداف انقلاب است. حالا سؤال این است که آیا رفتار ما باید نعل به نعل رفتار رهبری باشد؟ آیا وظیفه ما تکرار رهبری است؟ مثلاً وقتی جمله‌ای از رهبری شنیدیم آن را زیاد تکرار کنیم و بیشتر به کار ببریم؟ مثلاً روی دیوار جملات رهبری را خطاطی کنیم و تابلوهای تبلیغاتی سطح شهر را مشحون از سخنان رهبری کنیم؟ این سؤال بسیار کلیدی است؛ نسبت ما و رهبری چیست؟ قبل از اینکه به این سؤال پاسخ دهیم، احتمالاً برای مخاطب مساله این است که اصلاً چرا این سؤال مطرح می‌شود؟ چه اتفاقی افتاده که لازم است در این بازار متنوع موضوعات، سراغ این سؤال را بگیریم؟ مساله کلیدی اینجاست که این روزها رهبری انقلاب درباره برخی موضوعات فریاد می‌زنند. صریح اظهار نظر می‌کنند. با صدای بلند نصیحت می‌کنند. در چنین شرایطی نقش ما چیست؟ ما هم داد بزنیم؟ ما هم بلند حرف بزنیم؟ راهبرد چیست؟ پاسخ به این سؤال را در این روزها بسیار کلیدی و راهگشا می‌دانم. اگر این سؤال را به درستی جواب ندهیم دچار خطای تشخیص شده و نقش تاریخی‌مان را به درستی ایفا نخواهیم کرد. اولاً سراغ محکمت راهبردی می‌رویم. راهبرد اصلی اینجاست که سخنان رهبری به‌عنوان جهت‌گیری‌های اصلی انقلاب اسلامی باید به مردم منتقل شود. باید نفوذ پیدا کند. با همان درجه ارزش و اولویت‌گذاری باید در متن جامعه جاری و ساری شود و این وظیفه حلقه ارتباطی‌ای است که ما آن را به جریان حزب‌اللهی و انقلابی می‌شناسیم. دوم روش است. اگر راهبرد را انتقال سخنان رهبری میان مردم تعریف کردیم، آنگاه سؤال این است که روش ما به عنوان حلقه رابط و واسط چیست؟ تکرار کلام رهبری؟ تکرار لحن و صوت رهبری؟ درباره روش، حرف بسیار است؛ اما به این فهم روش ما در انتقال ارزش‌های امام (ره) و رهبری و تنزیل گفتمان انقلاب اسلامی باید از طریق تبیین و روشننگری باشد. به تعبیر دیگر وظیفه ما انتقال ارزش‌ها و آرمان‌ها به زبان مردم و به قرائت مسلط بر آنهاست اما این حرف کلی است. دقیق‌تر یعنی چه؟ ما با دو نوع نقد اجتماعی مواجهیم؛ یک نقد و اصلاح‌گری مردم. دوم نقد و اصلاح‌گری قدرت. حالا کدام یک بر دیگری ارجح‌اند؟ اولی طبیعتاً اهمیت بیشتری دارد اما زمانبر است. تا نگاه مردم اصلاح شود دهها بار قدرت‌ها جابه‌جا شده و هزاران مساله جدید ایجاد شده‌اند. از سویی برخورد با قدرت ضرورت بیشتری دارد. چراکه این قدرت‌ها هستند که به جامعه جهت می‌دهند؛ اما توجه صرف به قدرت یعنی رها کردن جامعه‌ای که منشأ ساخت این قدرت‌هاست. پس تکلیف چیست؟ راه حل در همراه کردن مردم برای نقد قدرت است. به سخن دیگر، نقد قدرت ارجح است اما برای نقد قدرت به جای مخاطب قرار دادن آنها باید مردم را مخاطب قرار داد تا آنها از قدرت مطالبه کنند. به تعبیر دیگر وظیفه ما همراه کردن مردم در نقد

«ادامه در صفحه بعد»

## ادامه صفحه قبل...

قدرت است. با این تعریف ساده، زمین تا آسمان سبک انتقادی و «نظام اصلی و فرعی» و ادبیات‌مان تغییر می‌کند. البته سخت است. هم باید مردم را توجه داد و هم قدرت را مخاطب گرفت. نخستین نکته کلیدی این است که نسبت ما با جامعه، نسبت رهبری و جامعه نیست و فرق دارد. رهبری نقش پدری جامعه را دارد و ما برادری. آنچه پدر انجام می‌دهد از عهده برادر خارج است. راهبردی که از پدر شنیده می‌شود را از برادر نمی‌شنوند. خاصه که سابقه موهومی نیز از میزان دلسوزی برادر در ذهن مردم باشد. بنابراین اول باید این سابقه را اصلاح کرد و بعد هم نقش برادری را ایفا کرد نه پدری. با این مقدمه روشن، سراغ یک سؤال نهایی می‌رویم. راهبرد پدران رهبری چیست؟ پدر در عین محبت و دوست داشتن فرزند، گاهی هم تذکر تند و صریح می‌دهد. پدر چه نقشی ایفا می‌کند؟ نقش پدر دو وجه کلیدی دارد. یکم نقش روشننگری؛ دوم نقش هدایتگری. با نقش دوم رهبری آشنایی داریم. نقش اساسی رهبری هدایت است. رهبری جامعه را رشد می‌دهد. لازم باشد برای رشد جامعه و تجربه ملت نرمش قهرمانانه هم به خرج می‌دهد. اما نقش روشننگری رهبری چیست؟ این دوران، روزگار نفاق است. مبارزه با نفاق ظرافت‌های خاص خودش را می‌طلبد. رمز برملاشدن چهره نفاق

در دو مؤلفه کلیدی است. یکم؛ روشن شدن شدید حق. دوم؛ حرکت وحدت‌گونه و خارج از دوقطبی توده مردم به سمت حق. منافق در چنین شرایطی یا همراه مردم می‌شود که آنگاه مجبور است از گذشته‌اش برگردد و برای مردم دستش رو می‌شود یا خطش را کامل از مردم جدا می‌کند و نمی‌تواند پشت دوقطبی‌های کاذب پنهان شود. وقتی هم می‌گوییم نفاق، فوری ذهن‌ها سمت منافقین دهه ۶۰ نرود. نفاق هم طیف است و سطح‌بندی دارد. رهبری مدت‌هاست تلاش می‌کنند حق را بی‌پیرایه و بدون حواشی و زوائد سر دست بگیرند تا شرط اول محقق شود. حق بی‌پیرایه صدای بلند می‌خواهد. حق روشن شود، حرکت بدون دوقطبی و وحدت‌گونه مردم سمت حق، مجال به نفاق نمی‌دهد. برای همین نسبت به دوقطبی‌ها یا شرط دوم نیز حساس است. بنابراین سبک رفتاری رهبری روشننگری در شناخت حق است. ابتدا باید حق روشن شود تا هدایت سمت آن صورت گیرد. در جامعه غبار آلود حق و باطل، نمایش حق گام اول است. حالا نقش ما چیست؟ حسب آنچه گذشت نقش ما متناسب با فهم اولویت‌های مورد توجه رهبری، هدایتگری جامعه سمت حق است و هدایتگری میسر نیست جز از طریق تبیین و استدلال با ادبیات مسلط بر گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی.

The image shows a stylized logo for 'Sanad' (سناد) with a background of concentric, wavy lines. Below the logo is a list of services and contact information:

- اطلاعات کامل در خصوص کمیته ناظر بر نشریات
- اسناد و آئین نامه ها • دستور العمل نشریات دانشگاهی
- لیست نشریات فعال
- sanad.um.ac.ir • در سایت سند
- نحوه ثبت آرشيو نشریه
- نحوه شرکت در جشنواره نشریات
- نحوه درخواست مجوز نشریه
- نحوه دریافت حمایت مالی
- آرشيو کامل نشریات دانشجویی
- اخبار و اعلان های خانه نشریات

آرشيو بروز نشریات داز

مشاوره تخصصی

شجویی دانشگاه فردوسی مشهد